

تاریخ، فرق، مذاهب انجیل لوقا

۹

فاطمه کاظمی زاده - فارغ التحصیل
معارف اسلامی (گرایش فلسفه اسلامی)

می‌باشند. در مورد تاریخچه پیدایش اناجیل اریعه، امام رضا علیه السلام در مناظره‌ای که با "جاثلیق" - یکی از رهبران مسیحی - داشته‌اند می‌پرسند: "آیا می‌توانی مرا از سرگذشت انجیل نخستین آگاه سازی؟ آیا وقتی آن انجیل را گم کردید آن را پیش کسی باز یافتید؟ انجیل‌های فعلی را چه کسی به‌وجود آورده است؟ جاثلیق پاسخ می‌دهد: انجیل را بیش از یک روز گم نکردیم، بزودی آن را باز یافتیم در حالی که تازه و شاداب بود! یوحنا و متی این انجیل را بیرون آوردند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: معلومات تو درباره تاریخ انجیل و سرگذشت علمای آن چقدر کم و محدود است! اگر جریان به این سادگی باشد که نقل می‌کنی چرا درباره انجیل‌های فعلی اختلاف نظر دارید؟ گوش کن تا من تاریخچه انجیل را برای تو تعریف کنم: وقتی حضرت عیسی از میان مسیحیان رفت و انجیل حضرت مفقود شد، نصاری نزد علمای خود آمدند و گفتند ما چه کنیم و چاره ما چیست؟ عیسی به قتل رسید! تنها انجیلی از او به یادگار مانده بود که آن هم مفقود گردید، شما علمای ما هستید چاره‌ای بیندیشید و تکلیف ما را روشن کنید! لوقا و مرقس در جواب گفتند:

مسیحیت دینی است که از قرن‌ها تجربه دینی و تحت لوای یک دین سازمان یافته دیگر یعنی یهود سر برآورده است. مسیحیت نیز مانند سایر ادیان، از آسیا نشأت گرفته و دارای متون مقدسی است که تحت نام "کتاب مقدس" جمع‌آوری شده است. این کتاب، منبع اولیه مطالعه در باره بنیانگذار و منشأ کلیسای مسیح و خلاصه‌ای از اصول مسیحیت می‌باشد. اما دنیای مسیحیت بر سر این که چه چیزی دقیقاً کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد، توافق ندارد. طبق نظر پروتستانها^۱، این کتاب مقدس شامل سی و نه کتاب عهد عتیق (تورات) است که متون قانونی دیانت یهود بوده و عمدتاً به زبان عبری و در طول قرون متمادی نوشته شده است؛ به همراه بیست و هفت کتاب عهد جدید (انجیل) به زبان یونانی که در قرن اول کلیسای مسیحی به رشته تحریر در آمده است. از این بیست و هفت متن مقدس، چهار مورد آن را اناجیل اریعه (متی - مرقس - لوقا - یوحنا) تشکیل می‌دهد.

قسمت مسیحیون کتاب مقدس، همان عهد جدید یا بیست و هفت متن مقدس است که انجیل نام دارد. از نظر مسیحیان، کتاب مقدس انجیل فعلی، بیش از هر متن مقدسی اصالت و اعتبار دارد؛^۲ لیکن از نظر ما مسلمانان، متن اصلی کتاب مقدس مسیحیان که توسط عیسی آورده شده، بعد از عروج ایشان مفقود گردیده است و متون مقدس فعلی، تحریف شده

(۱) هیوم - رابرت: ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۳۲۶-۳۲۷
(۲) همان منبع، ص ۳۳۷

می‌کند و حتی قبل از تولد عیسی (ﷺ)، فرشته‌ای آمدن عیسی را و اینکه او مسیح است، به زکریا خبر می‌دهد (آیه ۱۷). در ابتدا انجیل لوقا

(۱) آل کاشف الغطاء - محمد حسین: انجیل و مسیح، ترجمه سید هادی خسروشاهی، ص ۸۱-۸۰

(۲) پولس از شاگردان حضرت عیسی (ﷺ) و در حقیقت از بزرگترین و مشهورترین آنهاست و بقول کتاب اعمال رسولان، او بزرگترین مجاهد در راه نشر رسالت مسیحیت است. (انجیل و مسیح، ص ۲۲۸)

(۳) بطوری که در انجیل لوقا مندرج است، هنگامی که عیسی (ﷺ) شروع به دعوت کرد، سی ساله بود و موقعی که مصلوب شد سی و سه سال داشت؛ بنابراین مدت دعوت او فقط سه سال بود اما در طول این مدت بطور حتم نمی‌توان گفت که بیش از هفتاد نفر به او ایمان آورده باشند. از این هفتاد نفر، حضرت عیسی دوازده نفر را به عنوان شاگردان خود انتخاب کرد که همان حواریون هستند. اما، لوقا حتی جزء هفتاد نفر ایمان آورنده هم نبود.

(۴) انجیل و مسیح، ص ۲۴۱

(۵) آشتیانی - جلال الدین: تحقیقی در دین

مسیح، ص ۶۸

(۶) همانجا

(۷) همانجا

دریافت که او می‌کوشد در نظریات پولس تعدیل به وجود آورد.^۶ این انجیل بر پایه دو انجیل قبلی (متی و مرقس) و پس از آنها تنظیم شده است و از نظر ادبی بر دو انجیل گذشته برتری دارد. انجیل لوقا در قرن دوم میلادی تألیف شده است و بین انجیل مرقس و متی راه میانه‌ای را برگزیده، سعی در تعدیل نظریات پولس کرده است. محل تألیف این انجیل بنا به حدسی که زده‌اند، روم می‌باشد و برخی نیز آسیای صغیر را محل تألیف آن می‌دانند.^۷ خود لوقا در جایی می‌گوید که او شاهد عینی وقایعی که برای عیسی (ﷺ) توصیف کرده، نبوده است (برخلاف مؤلفان دیگر انجیل).^۸ از این بیست و هفت رساله انجیل، تعدادی مربوط به سرگذشت مسیح و تعدادی مربوط به شرح تعلیمات مسیح و تبیین و توجیه آرای مسیحی و افکار و تجربیات دینی حواریون و یاران او می‌باشد. در این میان، انجیل اربعه، خصوصاً سه انجیل اول (متی - مرقس - لوقا) بطور مشخص اوصاف و خصوصیات و سرگذشت مسیح را توضیح داده است و در این مورد با هم اشتراک دارند. در مجموع، این چهار رساله، غالباً از یک رساله به زبان یونانی، الهام گرفته‌اند.

گزیده‌ای از آیات انجیل لوقا

نویسنده لوقا داستان تولد عیسی (ﷺ) را بصورت معجزه‌ای، بعد از ذکر داستان تولد یحیی بن زکریا که آن هم با معجزه رخ داده است، بیان

انجیل و کتاب عیسی در سینه‌های ماست! و ما هر چند وقت یکبار سفری از آن را به شما می‌دهیم. شما از این جهت ناراحت نباشید و کنیسه‌ها را خالی نگذارید. هر وقت آن را نوشتیم به شما اطلاع می‌دهیم. لوقا، مرقس، یوحنا و متی نشستند و این انجیل‌های فعلی را برای شما تدوین کردند؛ در حالی که این چهار نفر، شاگرد شاگردان پیشینیان بودند و شاگردان بلافصل خود حضرت عیسی نبودند.^۱

بنابراین انجیل اربعه بعد از مفقود شدن متن اصلی انجیل به وجود آمده‌اند. از بین انجیل اربعه، انجیل لوقا مورد بحث ماست:

این انجیل همانطور که قبلاً نیز گفتیم، توسط "لوقا" به نگارش در آمده است. لوقا از بت پرستان بود که توسط پولس^۲ به دین مسیح گرایش پیدا کرد و نصرانیت را پذیرفت. لوقا نه از شاگردان دوازده‌گانه حضرت عیسی یعنی حواریون بود و نه از آن هفتاد نفر^۳، بلکه لو فقط با پولس که از شاگردان شاگردان عیسی (ﷺ) (شاگرد با واسطه ایشان) بود در بعضی از مسافرت‌ها همراه بوده است.^۴ به عقیده کلیسا، این انجیل را لوقای طیب، دوست پولس تألیف کرده است^۵؛ اما بنا بر آنچه که در کتاب "تحقیقی در دین مسیح" آمده است، امروزه مسلم شده که لوقای همزمان با پولس نمی‌تواند مصنف این رساله باشد، هرچند برداشت لوقا (مصنف این انجیل) بسیار نزدیک به پولس است ولی بوضوح می‌توان

8) Unlike the other evangelists, luke indicates that he was not an eyewitness to the events of Jesus' ministry that he describes. [The Encyclopedia of Religion]

صراحتاً بیان می‌کند که مادر حضرت عیسی (علیه السلام) زنی پاک و باکره بوده لذا تولد عیسی (علیه السلام) یک تولد فوق طبیعی است چون بنا بر گفته خود مریم که می‌گفت هنوز شوهر نکرده پس چطور ممکن بود که بچه‌دار شود؟! (آیه ۳۴) لیکن جبرئیل بر او نازل می‌شود و خبر می‌دهد که مورد لطف الهی قرار گرفته است و خدا از روح پاک خود بر او نازل خواهد کرد و نوزادی کاملاً مقدس که پسر است و نامش عیسی، به او عطا خواهد فرمود. این نوزاد، فرزند خداوند خوانده می‌شود چرا که از روح خداست نه از طریق طبیعی. لیکن در فصل دوم (تولد عیسی مسیح)، آیه ۴۸ بصراحت او را پسر یوسف می‌خواند؛ یوسف نامزد مریم بود و با او ازدواج کرد، لیکن عیسی (علیه السلام) زمانی در رحم مریم شکل گرفت که هنوز او با یوسف ازدواج نکرده بود و شوهری نداشت. در این فصل برای او بُعدی طبیعی و انسانی قایل می‌شود: "پدر و مادر او نمی‌دانستند چه کنند! مادرش به او گفت: پسر، چرا با ما چنین کردی؟ من و پدرت دلواپس بودیم و همه جا را بخاطر تو زیر پا گذاشتیم" (آیه ۴۸) لیکن عیسی (علیه السلام) این را قبول ندارد و خود را فرزند خدا می‌خواند؛ آنجا که می‌گوید: "مگر نمی‌دانستید که من باید در خانه پدرم باشم." (آیه ۵۰).

در انجیل لوقا، عیسی (علیه السلام) از نسل داوود معرفی می‌گردد؛ آنجا که جبرئیل خبر آستن شدن مریم را به او

داده درباره عیسی بشارت می‌دهد که "خداوند تخت سلطنت جدش داوود را به او واگذار می‌کند" (آیه ۳۳). در اینجا بصورت ضمنی فرزند بشر معرفی می‌شود، چرا که جد او را داوود معرفی می‌کنند. یوسف نامزد مریم از خاندان داوود است. و این مطلب در تناقض با مطلبی است که در همان آیه، جبرئیل در مورد عیسی (علیه السلام) می‌گوید که او "فرزند خدا" است. در جایی دیگر در انجیل لوقا، عیسی را در دوران جوانی اش، در بین جوانان هم سن و سال وی، فردی استثنایی معرفی می‌کند و این مطلب از مفاد آیات ۴۱ تا ۴۷ از انجیل لوقا، فصل دوم نمایان است؛ آنجا که از حضور و مذاکرات او با عده‌ای از علمای دینی درباره مسائل عمیق، صحبت می‌کند و می‌گوید که عیسی جوابهایی به آنها می‌دهد که همه از فهم سخنان او در حیرت می‌مانند.

در انجیل لوقا، یحیی که تعمیم دهنده است از آمدن مسیح خبر می‌دهد و می‌گوید که او مسیح نیست بلکه یک نفر بزودی خواهد آمد که مقامش از او (یحیی) بالاتر است و مردم را با روح پاک خدا تعمیم می‌دهد و او مسیح است (فصل سوم آیات ۱۵ تا ۱۷).

در لوقا ذکر شده که مردم عیسی (علیه السلام) را پسر یوسف می‌دانند؛ آنگاه با توسعه شجره نامه عیسی (علیه السلام)، اجداد او را تا آدم (علیه السلام) ذکر می‌کند و شرح می‌دهد (فصل سوم، آیات ۲۳ تا ۳۸).

معجزات عیسی (علیه السلام) و شفای بیماران، دیوانگان، کوران مادرزاد و... در انجیل لوقا، شبیه انجیل گذشته است. در این انجیل است که ما با عیسی روبه‌رو هستیم که به همه محبت می‌کند، چون برای او فقیر و پولدار، فرمانده و فرمانبر، ارباب و غلام، زن و مرد، دیندار و بی‌دین... تفاوتی نمی‌کند. همه محتاج محبت هستند و او سرچشمه محبت است. در فصل چهارم، آیات ۱۸ و ۱۹ می‌گوید: "روح خدا بر من است. خداوند مرا فرستاده است تا دلشکسته‌ها را شفا دهم و خبر بدهم که اسیر آزاد می‌شود و کور بینا می‌گردد، مظلوم از چنگ ظالم رهایی پیدا می‌کند و خدا به تمام کسانی که پیش او بیایند برکت می‌دهد." عیسی بقدری با اشخاص می‌آمیخت که او را "دوست گناهکاران" لقب داده بودند؛ چون به گفته خودش، او طبیعی بود که برای دردمندان آمده بود... و بزرگترین درد انسان، گناه است. همچنین او در جایی دیگر (فصل ۱۲، آیات ۴۹ تا ۵۳) خود را داوری می‌خواند که آمده است تا آتش داوری را بین مردم برافروزد و بین آنان به داوری بنشیند و او این داوری را عاملی می‌داند که باعث ایجاد تفرقه بین مردم و اختلاف بین پدر و پسر و مادر و دختر می‌شود و عده‌ای طرفدار او و عده‌ای با او دشمن می‌شوند: "من آمده‌ام تا در روی زمین آتش داوری را بیاکنم. کاش این کار را هر چه زودتر انجام بدهم. ولی قبل از آن، غسل دردناکی در پیش دارم و تا

زمان انجام آن زیر فشار هستیم! آیا خیال می‌کنید آمدن من باعث می‌شود مردم با هم در صلح زندگی کنند؟ خیر! بخاطر من مردم با هم اختلاف پیدا خواهند کرد. از این پس، خانواده‌ها از هم پاشیده می‌شوند. دو نفر طرفدار من می‌شوند و سه نفر ضد من یا بر عکس. پدر خانواده درباره من طوری فکر می‌کند و پسرش طور دیگر. مادر با دختر مخالف می‌شود و عروس با مادر شوهر."

عیسی علیه السلام در جای جای انجیل لوقا در شرایط مختلف، به موعظه مردم و بیان اعمال نیک و بد می‌پردازد و آنها را از بدیها منع می‌کند. به عنوان نمونه، او این پیامها را برای مردم می‌آورد که: دینداری باید با خلوص نیت باشد، ترس خدا باید در دل انسان باشد، مادیات زندگی انسان را تأمین نمی‌کند و... به عنوان مثال، در فصل یازدهم، آیه ۳۶ خطاب به مردم می‌گوید: اگر باطن شما نورانی باشد و هیچ گوشه و کناری تاریک نباشد، آن وقت تمام وجودتان من درخشد چنانکه گوئین یک چراغ پر نور بر شما تابیده است."

در انجیل لوقا، عیسی علیه السلام ملاک بخشش گناهان را، "محبت" می‌داند. بگونه‌ای که زن زناکاری را به جهت اینکه پاهای عیسی را غرق عطر کرده، بر آنها بوسه زده و با قطرات اشک آنها را شسته و با گیسوانش نوازش کرده است، می‌بخشد و خطاب به فرد "فریسی" می‌گوید که، گناهان بسیار کسی که به من بسیار محبت کند، بخشیده می‌شود ولی هر که کمتر

محبت کند، کمتر بخشیده می‌شود. او به همین دلیل، گناهان آن زن زناکار را می‌بخشد. (فصل ۷، آیات ۳۶ تا ۴۸).

با توجه به مطالبی که تاکنون گفته شد، می‌بینیم که شخصیت عیسی علیه السلام شخصیتی چند پهلوست. در انجیل لوقا، عیسی خود را فرزند خداوند می‌خواند و آنجا نیز که او را فرزند خداوند خطاب می‌کنند، اعتراضی نمی‌کند. (فصل دوم، آیه ۴۹ و فصل هشتم، آیه ۲۸ و...) و نیز آنگاه که جبرئیل نزد مریم می‌آید تا خبر این مولود مبارک را به او بدهد، او را فرزند خداوند می‌خواند: "او خیلی بزرگ خواهد بود و فرزند خدا نامیده می‌شود" (فصل اول، آیه ۳۲). در انجیل لوقا، در مواردی نشانه‌هایی مبتنی بر جنبه بشری عیسی مسیح وجود دارد که گواه بر این خواهد بود که او دارای مقام الوهیتی نیست چون مانند سایر بشر است و در تجربیات طبیعی مشارکت و دخالت دارد؛ به عنوان نمونه، در انجیل لوقا، فصل ۲، آیه ۴۰ آمده است: "طفل نمو کرده به روح قوی می‌گشت و از حکمت پر شده فیض خدا بر وی آشکار می‌بود." و یا در فصل ۲، آیه ۵۲ می‌گوید: "عیسی در حکمت و قامت رشد می‌کرد و مورد پسند خدا و مردم بود."

عیسی علیه السلام از خداوند، با نام "پدر" یاد می‌کند و این در جای جای لوقا نمایان است.

یکی از مطالب مهمی که در انجیل لوقا از آن بحث می‌شود، "رستاخیز

عیسی علیه السلام " بعد از مصلوب شدن است (فصل ۲۴). در انجیل لوقا آمده است که عیسی بعد از مصلوب شدن و جان سپردن در کمتر از دو روز دوباره زنده می‌شود و به میان پیروانش می‌آید ولی خدا می‌خواهد که آنها او را نشناسند. پیروان او از مفقود شدن جسد عیسی در حیرتند، در این هنگام عیسی علیه السلام به آنها درباره خبری که پیامبران پیشین درباره او داده و پیشگویی‌هایی که در این زمینه کرده بودند، می‌گوید. و در این انجیل است که رستاخیز با قالب مادی و این بدن زمینی صورت می‌گیرد. عیسی علیه السلام پس از قیام از گور و ظاهر شدن در برابر حواریون، به آنها می‌گوید: "چرا وحشت کردید؟ چرا شک دارید و نمی‌خواهید باور کنید که خودم هستم؟ به جای میخها بر دستها و پاهایم نگاه کنید! می‌بینید که من خودم هستم! به من دست بزنید تا خاطر جمع بشوید که من روح نیستم چون روح بدن ندارد ولی همینطور که می‌بینید من بدن دارم" (فصل ۲۴، آیات ۳۸ تا ۴۰). عیسی تقاضای غذا می‌کند و خبرهایی را که در زبور و تورات در مورد او آمده است به آنها یادآوری می‌کند؛ از جمله رنجهایی که باید بکشد، فدا کردن جان و زنده شدن در روز سوم و اینکه اگر هرکس از گنااهش دست بکشد و به طرف او بیاید، گنااهش بخشیده می‌گردد و مسی می‌گوید که او نجات‌بخش گنهکاران است (فصل ۲۴، آیات ۲۴ تا ۲۸).